

## سخن نخست و نخستین سخن

۱

حال پس از گذشت تقریباً یک دهه از عمر فصلنامه، وقتی به نظاره هفت آسمانی می‌نشینیم که ستاره بارانِ مقالات گوناگون است با سرانگشت تخیل می‌توانیم صورتی معنادار را در این آسمان ترسیم کنیم؛ زیرا در پس مقالات به ظاهر پراکنده و گسسته از یکدیگر، شاهد ارتباط و پیوستاری عمیقی هستیم که این مقالات به ظاهر کثکولی را بسان حلقات یک زنجیر به هم می‌پیوندد. آن صورت معنادار این است که فهم دیگر ادیان می‌تواند فرد را در فهم دین خویش کمک کند؛ کسی که ادیان دیگر را نمی‌شناسد دین خود را نیز به درستی نمی‌شناسد.

اکنون عالم دینی، اعم از یهودی، مسیحی و مسلمان، با مطالعه هفت آسمان می‌تواند گواهی دهد که حتی مقالاتی که با رویکرد غیر تطبیقی نگارش یافته‌اند نیز زمینه نگاه تطبیقی را فراهم آورده‌اند. پُری‌راه نخواهد بود اگر ادعا شود که هفت آسمان توانسته است از راه معرفی ادیان بزرگ، مخاطبان هر دینی را به دین خودشان آشنا کند. در این میان، بیش از همه، این خوانندگان مسلمان‌اند که در پرتو مطالعه ادیان دیگر، فهم خودشان را از اسلام تعمیق می‌بخشند؛ هر چند خوانندگان غیرمسلمان ديار ما نیز به نوبه خود از مطالعات ادیانی هفت آسمان سود می‌برند.

برای تأیید این مدعا کافی است سری به مقالات هفت آسمان بزنیم. برای مثال، درباره آموزه موعود در ادیان دیگر آنقدر مقاله وجود دارد که خواننده مسلمان اهل نظر با مطالعه آنها بتواند فهم خود را از مهدویت تعمیق بخشد. آموزه خدا نیز چنین است؛ در

فهرست مقالات هفت آسمان می‌توان آثاری را دید که واقعیت‌گایی را از دیدگاه وادها، اوبه‌نیشدها، به‌گودگیتا، مه‌ایانه، هینه‌یانه، یهودیت و مسیحیت مورد تحقیق قرار داده و تلاش کرده‌اند تصویری روشن از آن به دست دهند. این مقالات به نوبه خود تلقی سایر ادیان از خدا را در اختیار پژوهشگر مسلمان قرار می‌دهند تا او مجال یابد آموزهٔ الله را از زاویه‌های دیگری نیز بنگرد و از این راه چه بسا فهم خود را تعمیق بخشد. از این حیث، این فصلنامه توانسته و می‌تواند دینداران اهل فکر و اندیشه را یاری دهد تا دین خود را بهتر بشناسند.

این تنها عالمان دینی و درونیان نیستند که در پس مقالات پراکنده و متنوع ادیانی صورتی معنادار می‌بینند، بیرونیانی نیز که بی‌طرفانه ادیان را مطالعه می‌کنند هفت آسمان را ستاره باران مقالاتی می‌یابند که می‌تواند به آنها در فهم یک دین یاری رساند. اگرچه تمامی مقالات به مقایسهٔ ادیان با یکدیگر نپرداخته‌اند، اما اگر صاحب نظری قصد مطالعه‌ای تطبیقی داشته باشد در برابر خود مواد خام را آماده و حاضر می‌بیند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد اکنون مقدمات آن فرا آمده است که خوانندگان فصلنامه، شاهد المیادی دینی در هفت آسمان باشند؛ از این زاویه، هم عالمان دیندار مخاطبان هفت آسمان‌اند و هم پژوهشگرانی که بی‌طرفانه می‌خواهند دربارهٔ ادیان تحقیق کنند.

## ۲

با چنین نگاهی به گذشتهٔ هفت آسمان است که می‌توان ادعا کرد این فصلنامه تقریباً یک دهه است که بذره‌های تحقیق را در زمین مطالعات ادیان افشانده است؛ اما این تنها نخستین گام مطالعهٔ ادیان است که مقدمهٔ گام بعدی، یعنی مطالعهٔ تطبیقی ادیان، می‌باشد. اینک آرام آرام باید شاهد سر برآوردن جوانه‌های مطالعات تطبیقی بود. انتظار می‌رود دانشوران رشتهٔ ادیان و دین‌پژوهان آستین بالا زنند و در کنار تحقیقاتی که تاکنون به جامعهٔ فرهنگی عرضه کرده‌اند، مطالعات تطبیقی را نیز به فعلیت رسانده، همهٔ خوانندگان را از ثمرات پیدا و پنهان مطالعات ادیان بهره‌مند سازند. دور از انتظار نخواهد بود اگر باغبان هفت آسمان در کنار زمین حاصلخیز دین‌پژوهی بی‌صبرانه روزشماری کند تا در دههٔ دوم از عمر فصلنامه غنچه‌های مطالعات تطبیقی شکوفه دهد.

مطالعات تطبیقی ما را از مطالعاتی که جنبه تطبیقی ندارند بی‌نیاز نمی‌کند و مراد ما

این نیست که اینک باید تنها به مطالعات تطبیقی پرداخت؛ بلکه بر این نکته تأکید داریم به میزانی که به برکت مطالعات ادیان داده‌هایی گرانبار جمع‌آوری شده است، باید شاهد مطالعات تطبیقی نیز باشیم.

## ۳

صد البته، مطالعات ادیان و مطالعات تطبیقی ادیان روشمند است. مطالعات ادیان مانند واگن‌های یک قطار هستند و نمی‌توان انتظار داشت بدون قرار گرفتن بر روی ریل به حرکت افتند. چندین دهه است که در حوزه دین‌پژوهی تحقیق در باب روش‌ها و رویکردهای مطالعه دین کلید خورده است. هفت آسمان نیز که پا در وادی دین‌پژوهی گذاشته است نمی‌تواند به لوازم آن ملتزم نباشد؛ اما این نکته‌ای است که تاکنون چندان به آن بها نداده‌ایم. اگر هفت آسمان دل‌مشغول دین‌پژوهی است - که پس از مدرتیه در مغرب زمین ظهور کرده است، باید به‌طور شفاف نشان دهد که واگن مطالعات ادیان را بر کدام ریل به حرکت در آورده است.

دیگر نمی‌توان بی‌اعتنا به فلسفه دین، پدیدارشناسی دین، جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی دین و دیگر شاخه‌ها سوت قطار دین‌پژوهی را به صدا درآورد. کسانی که پشت به رشته‌های دین‌پژوهی وارد مطالعه ادیان می‌شوند همانند صیادی‌اند که اسیر سایه شده است. بنابراین، می‌توان گفت راهی که این فصلنامه سال‌هاست به سوی بام هفت آسمان گشوده است وقتی تمام و کمال به بار می‌نشیند که مقالات بر نردبان روش‌ها و رویکردهای علمی پا گذارند.

## ۴

اگر مراد از دین‌پژوهی مطالعه دین در شاخه‌ها و رویکردهای مختلفی چون علم دین، تاریخ ادیان، دین‌شناسی تطبیقی، فلسفه دین، جامعه‌شناسی دین، روان‌شناسی دین، پدیدارشناسی دین و الاهیات است، می‌توان ادعا کرد که ما در دین‌پژوهی با تصویرهای مختلفی از یک دین روبه‌رو هستیم. تصویری که پدیدارشناسی دین ارائه می‌دهد همانی نیست که جامعه‌شناسی دین عرضه می‌کند و تصویری که روان‌شناسی دین می‌نمایاند متفاوت از دیگر شاخه‌های دین‌پژوهی است. تنوع این تصاویر محدود به تنوع خود

شاخه‌های دین‌پژوهی نمی‌شود؛ در درون هر شاخه‌ای نیز چه بسا مکتب‌ها و سنت‌های مختلفی وجود داشته باشد که هر کدام تصویری خاص از دین مورد مطالعه ارائه می‌دهند. برای مثال در مکتب یا سنت‌های مختلف پدیدارشناسی دین شاهد نگاه‌های متفاوتی به دین هستیم؛ تصویری که سنت کریستنسن از دین عرضه می‌کند غیر از تصویری است که در سنت وان در لئو شاهد هستیم. از این رو، از نشریه‌ای که در حوزه دین‌پژوهی قرار دارد انتظار می‌رود از نگاه تک‌ساحتی بپرهیزد و بکوشد همه ابعاد دین‌پژوهی را تحت پوشش قرار دهد. این آرمانی است که محققان رشته دین‌پژوهی می‌توانند در تحقق آن به هفت آسمان یاری رسانند.

از سوی دیگر نه تنها باید ثمرات مطالعات شاخه‌های دین‌پژوهی، اعم از مطالعات تطبیقی و غیرتطبیقی، در اختیار دست‌اندازان این رشته قرار گیرد، بلکه باید تک‌تک شاخه‌های دین‌پژوهی نیز معرفی شوند. فصلنامه از این راه می‌تواند نتایج و دستاوردهای این شاخه‌ها را در معرض داوری قرار دهد و همچنین زمینه تحقیق و کندو کاو درباره خود شاخه‌ها را فراهم کند. بنابراین، هفت آسمان هم بنا دارد تازه‌ترین تحقیقات تطبیقی و غیرتطبیقی درباره، به تعبیر نینیان اسمارت، ابعاد هفت‌گانه دین را در معرض داوری قرار دهد و هم درصدد است به معرفی رویکردها و روش‌هایی بپردازد که در مطالعه دین به کار گرفته می‌شوند.

## ۵

همچنان‌که در این نگاه گذرا نیز دیدیم، در حوزه مطالعات ادیان، هم موضوعات و هم شاخه‌های مطالعاتی متنوع و گسترده‌اند. از یک طرف، ابعاد مختلف عبادی، اسطوره‌ای، اعتقادی، تجربی، اخلاقی و اجتماعی ادیان، در کنار موضوعاتی مانند ادیان در دوران مدرنیته و پسامدرنیته وجود دارند و از طرف دیگر، شاهد ظهور روش‌ها و رویکردهای متعددی مانند ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی هستیم. قطع نظر از اینکه نشریات دیگری نیز در برخی از شاخه‌های دین‌پژوهی فعالیت می‌کنند، که در همین جا به آنها دست مریزاد می‌گوییم، بدیهی است که به دلیل اهداف و امکانات هفت آسمان، تمامی این گستره وسیع مطالعات دینی در زیر چتر آن جای نمی‌گیرد. به این دلیل تنها برخی از موضوعات و شاخه‌ها در فصلنامه مجال طرح می‌یابند. اینجاست که هفت آسمان در

برابر این پرسش مهم و اساسی قرار می‌گیرد: در حوزه مطالعات ادیان، چه موضوع یا موضوعاتی و چه شاخه یا شاخه‌هایی در اولویت قرار دارد؟ در اینجا به طرح پرسش بسنده می‌کنم و در شماره آینده بر اساس نوع برداشتی که از مطالعات ادیان و از روزگار ما وجود دارد به بررسی این پرسش خواهیم پرداخت.

در پایان به شورای علمی دبیران و به‌خصوص به سردبیر سابق فصلنامه جناب حجت‌الاسلام دکتر حمیدرضا شریعتداری دست‌مریزاد می‌گویم که به خوبی هر چه تمام در یک دهه توانستند راهی چنین عریض و طویل را در پیش‌روی محققان و خوانندگان قرار دهند.

سردبیر